

بسم الله الرحمن الرحيم

الحمد لله رب العالمين و صلي الله علي سيدنا محمد و آله الطاهرين

مطلب سوم - شبهه کثیر فی الکثیر

یکی از اموری که بایستی در بحث شبهه غیرمحصوره به آن پرداخت بحثی است به نام شبهه کثیر فی الکثیر؛ آیا همانطوری که در سایر موارد شبهات غیرمحصوره، مثل جایی که می‌گفتیم علم اجمالی داریم به وجود يك نجس یا يك حرام، در میان این هزار ظرف، که عنوان قلیل فی الکثیر دارد، همانطوری که علم اجمالی در اینجا منجزیت ندارد، آیا در آنجایی که کثیر فی الکثیر است هم منجزیت ندارد؟ اگر علم اجمالی داریم به اینکه دویست ظرف از این هزار ظرف نجس است یا مثلاً اگر گفتیم تعداد صد عدد می‌شود شبهه غیرمحصوره، جایی که کسی می‌گوید علم اجمالی دارم ده تا از این صدها نجس است یا حرام است، 20 تا از این صد تا نجس یا حرام است که از آن تعبیر به کثیر فی الکثیر می‌شود. آیا علم اجمالی در اینجا هم از منجزیت ساقط است؟ یا اینکه اینجا ولو شبهه شبهه غیرمحصوره است ولی علم اجمالی به منجزیت خودش باقی می‌ماند. اینجا نیز با توجه به اختلاف مبانی و مسالك، نتیجه متفاوت خواهد بود.

روی مبنای شیخ اعظم انصاری که ملاک را در شبهه غیرمحصوره ضعیف بودن احتمال تکلیف در اطراف قرار داد و فرمود آن شبهه‌ای شبهه غیرمحصوره است که در اثر کثرت اطراف احتمال تکلیف در هر طرفی ضعیف است و در نتیجه در هر طرفی ما اطمینان به عدم تکلیف داریم. هر طرفی از این اطراف را که ما ملاحظه می‌کنیم اطمینان به عدم پیدا می‌کنیم، این ملاک و مسلك شیخ در شبهه غیر محصوره است. این ملاک در آنجایی که قلیل فی الکثیر است وجود دارد و معنا دارد اما در آنجایی که کثیر فی الکثیر است، اینجا آیا معنا دارد یا نه؟ اینجایی که می‌گوئیم علم اجمالی داریم در صد ظرف از این هزار ظرف نجاست وجود دارد، اینجا دیگر اطمینان به عدم حاصل نمی‌شود، نمی‌توانیم بگوئیم هر ظرفی را که ما به عنوان طرف قرار می‌دهیم اینجا اطمینان به عدم حاصل می‌شود و به عبارت دیگر اینجا چون معلوم بالاجمال ما خودش زیاد است احتمال تکلیف در هر طرف موهون نیست، احتمال تکلیف ضعیف نیست. آن موقع می‌گفتیم يك ظرف در هزار ظرف می‌شد يك هزارم، اما الآن می‌گوئیم صد ظرف در هزار ظرف که می‌شود يك دهم، در نتیجه احتمال تکلیف ضعیف نیست، اطمینان به عدم حاصل نمی‌شود.

پس روی مبنای شیخ انصاری در شبهه کثیر فی الکثیر باید به قاعده‌ی احتیاط عمل کرد و احتیاط واجب است و یکی از مواردی که ما می‌توانیم برای شبهه‌ی کثیر فی الکثیر ذکر کنیم يك مصداقی که در ایام تابستان در فصل میوه گیلان این مبتلا به است، انسان علم اجمالی دارد که در این گیلانها کرم وجود دارد، يك وقت می‌گوئیم این یکی در هزار تا گیلان است، اجتناب از آن واجب نیست! اما اگر در صد تا از هزار تا علم اجمالی داریم که - به قول خودشان می‌گویند این گیلانها مهمان دارند - می‌شود شبهه کثیر فی الکثیر، اگر علم اجمالی داشته باشیم که در درختی که هزار گیلان دارد دویست تا از این گیلانها کرم‌دار است و

خوردن کرم حرام است، این می شود شبهه کثیر فی الكثير، مگر اینکه بگوئیم در يك درخت ممکن است باشد اما نسبت به سایر درخت ها و باغ ها باز عنوان قليل فی الكثير پیدا می کند، این به اختلاف موارد مختلف است. در يك جا عنوان شبهه ي قليل فی الكثير را پیدا می کند، بگوئیم حالا ده تا از این گیلان ها در میان هزار تا یا دو هزار تا کرم دارد، اینجا اجتناب از آن واجب نیست! اما اگر صد یا دویست تا از این گیلان ها در میان هزار تا باشد هم از امثله ي شبهه ي کثیر فی الكثير است.

پس روی مبنای شیخ در شبهه ي کثیر فی الكثير احتیاط واجب هست برای اینکه اطمینان به عدم حاصل نمی شود، مبنای دوم مبنای مرحوم محقق نائینی است، نائینی در شبهه ي غیر محصوره می فرمود جایی شبهه غیر محصوره است که ما قدرت بر مخالفت قطعیه نداریم. بگوئیم آیا همین ملاک الآن در شبهه ي کثیر فی الكثير جریان دارد یا نه؟ مرحوم آقای خوئی قدس سره در مصباح می فرمایند ملاک این است که مخالفت قطعیه ممکن نباشد و در نتیجه در شبهه ي کثیر فی الكثير چون مخالفت قطعیه ممکن نیست پس اینجا هم احتیاط واجب نیست. یعنی برخلاف نظر مرحوم شیخ می شود. طبق مبنای شیخ ما باید در شبهه کثیر فی الكثير احتیاط کنیم، طبق مبنای نائینی که ملاک در شبهات غیر محصوره را عدم القدرة علی المخالفة القطعیة قرار داد، اینجا الآن هم فرض این است که ما قدرت بر مخالفت قطعیه نداریم.

پس روی مبنای نائینی در شبهه کثیر فی الكثير احتیاط واجب نیست. مرحوم شهید صدر رضوان الله علیه در کتاب بحوث این تعبیر را دارد، یعنی يك مقداری مخالف و مختلف با آن چیزی است که مرحوم آقای خوئی فرمودند، ایشان می فرمایند روی مسلك نائینی چون مخالفت قطعیه در مجموع ممکن نیست پس احتیاط واجب نیست. ایشان می فرماید اگر در همین شبهه ي کثیر فی الكثير ما فرض کنیم که قدرت بر مخالفت قطعیه ولو به لحاظ بعضی از این تکالیف معلومه ي بالإجمال باشد باز احتیاط واجب است. مثلاً در آنجایی که علم اجمالی داریم پنجاه تا مایع در میان این صد تا مایع حرام و نجس است، اینجا یقین داریم اگر 51 را مرتکب شویم مخالفت قطعیه را انجام دادیم! پس تا مرز عدم ارتکاب مخالفت قطعیه اشکالی ندارد. شما تا 50 تا را می توانید مرتکب شوید، یا 49 تا را، اما وقتی 51 را مرتکب شدید دیگر یقین پیدا می کنید که مخالفت قطعیه انجام شده، لذا باید اجتناب کنیم. روی مبنای نائینی ملاک در عدم حرمت مخالفت قطعیه این است که چون قدرت بر مخالفت قطعیه نیست.

نائینی می فرمود در شبهه غیر محصوره شخص قدرت بر مخالفت قطعیه و ارتکاب همه ي اطراف را ندارد؛ پس مخالفت قطعیه حرام نیست چون تکلیف مشروط به قدرت است. جایی که قدرت نباشد تکلیف وجود ندارد. این اقتضا می کند اگر در يك شبهه ي غیر محصوره ي ما قدرت بر مخالفت قطعیه ولو نسبت به مقداری از اطراف پیدا کنیم، مثل همین مثال؛ علم اجمالی داریم 50 تا ظرف در میان این صد تا نجس و حرام است، حالا اگر 40 تا را مرتکب شویم، مخالفت قطعیه نیست اما اگر 50 تا را مرتکب شدیم مخالفت قطعیه است. حالا يك کسی قدرت بر ارتکاب صد تا را ندارد، اما قدرت بر ارتکاب 50 تا را دارد، پس اینجا ما باید بگوئیم در همین دایره احتیاط واجب است، یعنی باید احتیاط کند 50 تا ظرف را مرتکب نشود و این نکته ي درستی است که مرحوم صدر رضوان الله علیه به آن اشاره نمودند. عرض کردم مرحوم آقای خوئی مطلقاً می فرمایند روی مبنای نائینی منجزیت ندارد، روی مبنای نائینی بین شبهه ي کثیر فی الكثير و قليل فی الكثير فرقی نیست، در اینکه در هیچ کدامش علم اجمالی منجزیت ندارد.

نائینی فرمود اگر در يك جا مخالفت قطعیه ممکن نشد، آنجا دیگر موافقت هم واجب نیست. نائینی وجوب موافقت قطعیه را مترتب کرد بر حرمت مخالفت قطعیه، یعنی در هر علم اجمالی اگر ما اول بتوانیم اثبات کنیم مخالفت قطعی حرام است یترتب بر آن اینکه موافقت قطعی هم واجب است، اگر روشن شد که مخالفت قطعی حرام نیست موافقت قطعی هم واجب نیست که قبلاً بحثش را کردیم، برخی هم اشکال داشتند که ملازمه ي بین این دو تا نیست.

اینجا فعلاً به آن وجوب موافقت قطعی کاری نداریم، شما که می‌گوئید مخالفت قطعی حرام است اگر نسبت به صد تا را بخواهد مرتکب شود فرض این است که این صد تا را نمی‌تواند مرتکب شود، اما اگر در همین دایره معلوم بالإجمال مقداری را می‌تواند مرتکب شود که به این مقدار مخالفت قطعیه واقع می‌شود، یعنی فرض کنیم این آدم از این صد ظرف می‌تواند 51 ظرف را استفاده کند، اینجا باید بگوئیم حق نداری 51 ظرف استفاده کنی و بر تو حرام است. به این مقدار احتیاط واجب است این هم روی مبنای مرحوم نائینی.

يك مبنای دیگر در شبهه غیرمحصوره اجماع بود؛ اساساً بعضی‌ها هیچ کدامیک از این ادله‌ای که برای عدم وجوب احتیاط در شبهه غیرمحصوره مطرح شده را نمی‌پذیرند الا اجماع، اجماع داریم، فقها اجماع دارند، با این اجماع آمدند قاعده احتیاط را تخصیص زدند، احتیاط در همه جا جریان دارد الا در این مورد. آیا اجماع شامل شبهه‌ی کثیر فی الکثیر می‌شود؟ جواب این است که معلوم نیست، آن مقداری که متیقن از اجماع است همان مورد قلیل فی الکثیر است، آنجا فرمودند احتیاط واجب نیست، اصلاً بسیاری از بزرگان در همین بحث شبهه‌ی غیرمحصوره مسئله‌ی کثیر فی الکثیر را مطرح نکردند، لذا نمی‌توانیم بگوئیم اینجا اصلاً اجماعی است و اجماع هم دلیل لبی است و لبی باید به قدر متیقنش اخذ کنیم و شمولش نسبت به این مورد معلوم نیست.

مبنای چهارم؛ آنهایی که مبنایشان عسر و حرج است، نظیر همان مطلبی که در بحث دیروز گفتیم و گفتند چون دیگران به يك نحوی مطرح کردند و ما به يك نحو دیگر مطرح کردیم، مرحوم آقای خوئی، مرحوم امام، شهید صدر می‌گویند اگر دلیل عدم وجوب اجتناب در شبهه غیر محصوره قاعده لاجرج باشد یا مسئله عسر و حرج باشد، به مقداری که به حدّ حرج نرسد باید احتیاط کند، اما اگر به يك مقداری که می‌خواهد به حدّ حرج برسد مستلزم حرج شود دیگر احتیاط واجب نیست، یعنی حرج می‌آید عمل را مادام کونه مستلزماً للخرج برمی‌دارد اما مادون آن را بر نمی‌دارد، یعنی آن مقدار عملی که مستلزم حرج نیست، حالا اگر کسی از این صد تا بخواهد اجتناب کند حرجی است، می‌گوئیم احتیاط نسبت به صد تا واجب نیست، اما اگر بخواهد از 50 تای آن اجتناب کند حرجی نیست. باید در این مقدار اجتناب کند، اما روی آن مبنایی که ما اختیار کردیم، گفتیم حرج به طور کلی علم اجمالی را منحل می‌کند، و این علم اجمالی را از بین می‌برد مثل بحث اضطرار است، همانطوری که اضطرار به معین یا غیر معین بعد العلم الإجمالی یا قبل العلم الإجمالی موجب از بین رفتن علم اجمالی است و نظری بود که مرحوم آخوند در متن کفایه اختیار کرد، ما هم در آنجا همان نظر آخوند را در متن اختیار کردیم، حرج هم نظیر اضطرار است، اگر حرج در يك جا واقع شد اینجا علم اجمالی از منجزیت ساقط می‌شود.

آخرین مبنا، مبنای شهید صدر بود که ایشان فرمودند علّت اینکه در شبهه‌ی غیرمحصوره اجتناب واجب نیست و احتیاط واجب نیست، این است که ما وقتی به ارتکاز عرف و عقلاً مراجعه کنیم مناقضه وجود ندارد. از يك طرف علم اجمالی داریم به وجوب اجتناب از نجاست و از طرف دیگر بگوئیم شارع هم ترخیص در ارتکاب داده، ایشان فرمود مناقضه وجود ندارد، بعد مرحوم صدر به شبهه‌ی کثیر فی الکثیر که می‌رسند می‌گویند مناقضه اینجا خیلی روشن است، یعنی اگر علم اجمالی داریم پنجاه تا از این صد تا نجس است، شارع بگوید نه من ترخیص می‌دهم همه را مرتکب شو، این تناقض است، اما آنجایی که یکی از این صد تا نجس باشد، عرف آنجا تناقض نمی‌بیند. البته خود همین عدم مناقضه را هم اگر خیلی دقت کنیم می‌توانیم به يك نحوی به همان کلام شیخ و دیگران مثل مرحوم حائری و مرحوم امام برگردانیم، حالا خودتان با تأمل دقت کنید که چطور می‌شود به آن برگشت داده شود، این هم راجع به مسئله شبهه کثیر فی الکثیر.

مطلب چهارم - آیا عدم وجوب اجتناب مختص به شبهات تحریمیه است یا در شبهات وجوبیه نیز جریان دارد؟

آخرین امر در این شبهه غیرمحصوره مطلبی است که قبلاً هم وقتی کلام مرحوم نائینی را نقل کردیم ذکر شد؛ حالا ما وارد شبهات غیر محصوره که شدیم و می‌گوئیم احتیاط واجب نیست علم اجمالی در شبهه غیرمحصوره منجزیت ندارد، آیا این مختص به شبهات تحریمیه است؟ می‌گوئیم یکی از این هزار تا نجس است، یکی از این هزار تا حرام است، یا اینکه در شبهات وجوبیه هم جریان دارد، اگر علم اجمالی پیدا کنیم یکی از این صد عمل واجب است. بگوئیم اینجا هم چون اطرافش کثیر است، شبهه شبهه‌ی غیرمحصوره است، بگوئیم اینجا هم علم اجمالی برای ما منجزیت ندارد. باز در اینجا هم باید همین مبانی‌ای که الان در بحث شبهه کثیر فی الکثیر گفتیم را دقت کنیم و روی آن بحث کنیم؛ روی مبانی شیخ باز همینطور است، چون تکلیف احتمالش ضعیف می‌شود، می‌گوئیم علم اجمالی داریم یکی از این صد عمل واجب است، یکی از این هزار تا عمل واجب است، مثلاً من علم اجمالی دارم به یک نفر از این صد نفر دین بدهکارم، این مثال خیلی روشن و واضح که اتفاق هم می‌افتد، علم اجمالی دارم به اینکه به یک نفر از میان این صد نفر مدیون هستم، اینجا بحث قاعده‌ی عدل و انصاف مطرح می‌شود که آیا باید با توجه به این قاعده بگوئیم این دین را میان صد نفر تقسیم نماید؟

قاعده عدل و انصاف را در فقه‌مان در سال گذشته بحث کردیم و اثبات کردیم که این قاعده ریشه و مبانی ندارد. اما اگر کسی این قاعده را قبول کند اینجا باید طبق قاعده عدل و انصاف بگوید من نمی‌دانم به یکی از شما صد نفر بدهکارم، می‌آیم این صد تومان را بین همه تقسیم می‌کنم! اما اگر کسی قاعده عدل و انصاف را قبول نکرد اینجا هم باید احتیاط کند بگوید من به هر کدام‌تان این دین را بدهم تا زمه‌ام بری شود، یا اینکه این هم از موارد علم اجمالی و شبهه غیرمحصوره است، علم اجمالی دارم و شبهه هم غیرمحصوره است، بگوئیم اینجا احتیاط واجب نیست! روی مبانی شیخ چون نسبت به هر شخصی احتمال اشتغال زمه نسبت به او موهوم است و اطمینان به عدمش هست اینجا همینطور می‌شود، روی مبانی شیخ باید بگوئیم که اینجا لازم نیست، چون شبهه شبهه‌ی غیر محصوره است. روی مبانی شیخ هم علم کالعدم است و هم شك کالعدم است. روی مبانی دیگران شك آثار خودش را می‌گذارد و وجوب احتیاط می‌آورد، اما روی مبانی شیخ شك هم می‌شود کالعدم، روی مبانی شیخ در میان این صد تا هر نفری مثل شبهه بدوی می‌شود، شما الآن اگر شك کنید که من به این بدهکارم یا نه؟ به شك‌تان اعتنا نمی‌کنید، روی مبانی شیخ تمام اطراف علم اجمالی در شبهه غیرمحصوره هر طرفش همین حکم را پیدا می‌کند، لذا لازم نیست بپردازد.

و صلي الله علي محمد و آله الطاهرين